

## ایران در تب حبس یک فریاد در سینه:

### یا مرگ، یا آزادی!

این عصاره مقاومت بهترین فرزندان این مردم است که از کارخانه تا دانشگاه و در سیاه چالها، سنگ آزادی به سینه میزنند؛

این صدای یک نسل است که آزادی را برای کارگر میخواهد تا از لابلای صلابه کارمزدی و از میان خیمه و خرگاه چاپلوسی و در یوزگی خانه کارگر علیه بردگی عریان اعتراض کند، متشکل شود، و بتواند سد گرسنگی و حسرت را بشکند.

یا مرگ یا آزادی!

آزادی را باید ساخت، باید از حلقوم دشمنان اسلامی سرمایه درآورد.

آزادی باید در گوشه گوشه زندگی، توسط جمع های کوچک و بزرگ ما، و در نبردهای روزمره تحمیل و برقرار شود.

آزادی در "آنچه هست"، در واقعیت ملموس، در هیبت انسانی عقاید و باورها دست یافتنی و بمراتب پرشکوه تر است.

آزادی به معنای تقویت مادی و معنوی اعتراض هفت تپه، به معنای صدها تشکل و "گام" دیگر در راه حق طلبی کارگری! آزادی به معنای شرافت پافشاری بر برابری زن و مرد!

آزادی به معنای وسیع ترین سنت دفاع و حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده آنها!

یا مرگ یا آزادی؛ اما چسباله های تسلیم و انتظار، هرگز!

صفحه ۲



صفحه ۳

در بزرگداشت جان باختگان خیزش آبان - آذر

کلبه ای در نيزه زارهای ماه شهر

صفحه ۳

گردون بیرحم... این دو نوجوان... همه ما مسئول هستیم!

صفحه ۴

خیزش آبان و سپس فصل تعیین دستمزد...

صفحه ۵

سرنوشت بهم بافته مجمع عمومی و اعتراضات جاری کارگری

## ایران در تب حسی یک فریاد در سینه:

### یا مرگ، یا آزادی!

اتحاد بیشمار مردم در تجمعات و کشمکشهای قریب صد شهر بود...

یا مرگ، یا آزادی!

این عصاره مقاومت بهترین فرزندان این مردم است که از کارخانه تا دانشگاه و در سیاه چالها، سنگ آزادی به سینه میزنند؛

این صدای یک نسل است که آزادی را برای کارگر میخواهد تا از لابلای صلابه کارمزدی و از میان خیمه و خرگاه چاپلوسی و در یوزگی خانه کارگر علیه بردگی عریان اعتراض کند، متشکل شود، و بتواند سد گرسنگی و حسرت را بشکند.

این طنین پر شکوه نفس شرافت انسانی، شور و ذات برابری طلبی است که موقعیت برده وار زنان را عار میداند؛ توحش قانونی و شرعی کار کودکان چنگ به قلبش میاندازد... و برای نجات قربانیان آن خود را به در دیوار میزند...

یا مرگ یا آزادی!

آزادی را باید ساخت، باید از حلقوم دشمن، حکومت اسلامی سرمایه درآورد.

آزادی باید در گوشه گوشه زندگی، توسط جمع های کوچک و بزرگ ما، و در نبردهای روزمره تحمیل و برقرار شود.

آزادی در "آنچه هست"، در واقعیت ملموس، در هیبت انسانی عقاید و باورها دست یافتنی و پرشکوه است.

آزادی به معنای تقویت مادی و معنوی اعتراض هفت تپه، به معنای صدها تشکل و "گام" دیگر در راه حق طلبی کارگری!

آزادی به معنای شرافت پافشاری بر برابری زن و مرد! آزادی به معنای وسیع ترین سنت دفاع و حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده آنها!

یا مرگ یا آزادی؛ اما چسناله های تسلیم و انتظار، هرگز!

در چند روز گذشته، یکی پس از دیگری حکم پنج سال زندان برای لیست طولانی از فعالین کارگری و سیاسی اعلام شده است. این احکام حاصل پروسه تجدید نظر و فرجام خواهی و در واقعیت نمایش لجن مال تمام ساحت قضا و عدالت در مقابل انظار عمومی بود. حکومت اسلامی سرمایه در ایران تنها دو هفته زودتر در مقابل خیزش آبان و آذر همه ابهت "داد و دادگاه" را در مقابل اشتهای خون و تخریب دستجات باند سیاهی در خیابانها به حراج گذاشته بود. پس از اطمینان خاطر از اینکه هر کس که عشقشان کشید، و هر تعدادی که ممکن و جلوی دستشان بود، کشته شده است؛ و با رفت و روب خیابانها؛ تمام ساختار این حکومت طی دو هفته اخیر در ابراز دین خود و در اثبات نمک شناسی در مقابل باند سیاه خویش سنگ تمام گذاشته است. دیروز رژه لباس شخصی ها، ادعای پوشالی "عدل و قانون" را در قاموس این حکومت به سخره گرفت، امروز دیگر نوبت رژه چماقداری قوه قضائیه است که خود "جمهوری" را در خون و خفت غرق کنند.

سرگذشت و سوابق هر پرونده لیست متهمان در روز روشن، یکی پس از دیگری، سیفون ستونهای حکومتی و مشروعیت فصلهای حقوق پایه ای مورد ادعای خود برای مردم را میکشد. این احکام، عریبه کشی سرگردنه راهزنان دستمزد و آسایش توده عظیم در ایران است که سرمست از باتلاق فقر و حسرت و بی حقوقی حاکم، منت "امنیت ملی" میگذارند! این احکام دو قورت باقی سلطه سودپرستانه سرمایه است که نه فقط کار و خلاقیت، نه فقط تسلیم بلکه خفت و بردگی طلب دارند. یا مرگ، یا آزادی!

این سنگر گریز ناپذیر توده کارگر و زحمتکش در دفاع از نفس زندگی در مقابل قعر بی انتهای فقر و تباهی جلوی روی آنهاست. این سنگر دفاع از شعور، دفاع از صلاحیت حقوق شهروندی است؛ این اسم رمز، ورد



با "علیه بیکاری" تماس بگیرید!

یک نشریه کارگری است. تلاش و هدف ما اینست که تعداد هر چه بیشتری از کارگران دنبال نشریه باشند. آنرا بفوانند و آنرا دوست خود بدانند. ما میفواهیم مبشر سازمان یابی و اتحاد کارگران، و عصای دست فعالین کارگری در اینراه

باشیم. [info@a-bikari.com](mailto:info@a-bikari.com)

## در بزرگداشت جان باختگان خیزش آبان - آذر کلبه ای در نيزه زارهای ماه شهر



توضیح عکس: مربوط به جان باختگان اعتراضات عراق است. تقاضا میکنم این تصویر را بعنوان بیان سمبلیک واقعیتی غیر قابل کتمان، چه در عراق و چه در ایران، از من بپذیرید. مصطفی اسدپور

خشت های این چهار دیواری که بزحمت و با بی میلی آشکار سقفی را در هوا ننگه داشته اند، نه یک خانه، نه یک مامن، نه چیزی برای پنهان از نگاه غریبه های رهگذر؛ بلکه مظهر تمام عیار لرزیدن، محرومیت و فقر و گرسنگی هستند. این خشت ها همانقدر که سست و کج و کوله؛ همانقدر نیز به ضرب سماجت سحر انگیز ساکنان آن در تلاش معاش، روی هم بند شده اند. در این چهار دیواری جز حسرت، ناامیدی هم نفس با نفرت نمیتواند سر کند. این چهار دیواری نه برای زیست، بلکه برای بی ارزشی زندگی ساکنان آن؛ نه از سر اتفاق در ناکجا آباد، بلکه دقیقاً مطابق استاندارد از پیشی برای جان کندن مقرون به صرفه یک خانواده با نقره داغ تبار کارگری جامعه سر هم شده است. در این خرابه حتی حشرات بیخود وقت خود را بهدر نمیدهند، اینجا خدا هیچ کاره است. این آلونک ها محل جولان و قدر قدرتی جانوران اسلامی سرمایه است که مرزهای توحش بهره کشی را پشت سر بگذارند.

موج خیزش آبان - آذر کلبه ای از نيزارهای ماه شهر را در کناره "ساحل" بجا گذاشت، که قامت تصویری بر روی آن، گواه عصیان، شور و تسلیم ناپذیری است. این کلبه مهر مردم زحمتکشی را به پیشانی این سرزمین میکوبد که سر از تسلیم و فرودستی برمیتابد؛ و بیش از نان روزانه از شجاعت و اعتماد بنفس، غرور و آزادی و احترام نیرو میگيرد؛ و از سودای نان و آزادی، هر دو، کوتاه نميآید.



## گردون بیرحم... این دو نوجوان... همه ما مسئول هستیم



دیروز گذشته پیکر دو برادر کولبر، آزاد 14 ساله و فرهاد 17 ساله در منطقه مریوان به خاک سپرده شد. تجمع بزرگ مردم، فضای اعتراضی بی پروا علیه جمهوری اسلامی سنگ تمام گذاشت. طنین شعار "مرگ بر دیکتاتور" خشم چند هزار شرکت کننده را متوجه عامل و مسبب مرگ دردناک دو برادر می ساخت...

مراسم خاکسپاری مانیفست بزرگی علیه فقر و فقدان تامین اجتماعی در قبال زندگی مردم زحمتکش، علیه کولبری و مصائب اسفبار آن بود...

این تجمع بخش اصلی کارگری، شرافتمند، خوشنام و بانفوذ مریوان را در حلقه خود داشت، طنین طاقت های طاق شده، جوشش و اراده و شوق و مبارزه جویی از تصاویر منتشره مو بر تن هر بیننده راست میکند...

این تجمع همه چیز را در خود داشت که قسم نامه "پایان خفت کولبری" را اعلام دارد. نقطه شروعی برای ابتکارات عملی و مبارزاتی در راه پایان کابوس کولبری در کردستان، و مشخصاً خلاصی کارگر و زحمتکش، شیپور جنگ بر علیه کار کودکان؛ تزریق خون تازه در رگهای یکی از کانونهای گرم تاریخ معاصر جنبش کارگری در ایران؛ طلایه دار جنبشی برای بیمه بیکاری شایسته و همگانی در ایران و خاورمیانه؛ ... گردد.

راستی چه چیز مانع هم پیمانی، اراده، خوش بینی و ستیزه جویی در این راه است؟ چه چیزی میتواند "رژیمی تر" و سرکوبگرانه تر از کولبری در زندگی فردی و جمعی، مشخصاً برای کارگران و زحمتکشان در جامعه کردستان باشد؟ چه چیزی میتواند سرکوبگرانه تر از بردگی مزدی در عریان ترین شکل آن و دزدی حرمت و جان فرزندانمان گردد؟ چه چیزی است که مانع اراده جمعی ما است، چه چیزی است که در سرکشی جوانان ما از زورگویی و خفت بارکشی در راه یک لقمه نان دست آنها را میگیرد، قوت دلشان میگردد و راه پیروزی را نشان میدهد؟

کسی قرار نیست فردا ما را بخاطر مصائب کولبری به محاکمه بکشد، اما همگی ما بخاطر فرصت هایی که از دست میدهم، بخاطر ابتکارات بخرج نداده، بخاطر یقه هایی در چنگ نفرستاده ایم و بخاطر شکست هایی که نخورده ایم ... مسئول هستیم.



## خیزش آبان و سپس فصل تعیین دستمزد...

راه را بر توانایی و ظرفیت های مبارزاتی کارگران میبندد.

امروز دیوار چین خیزش آذر ماه و عرصه کشمکش های دستمزد را از هم جدا نمیکند، کارگران اعتراض و تب مصاف های خونین آذر را در رخت کن بجا نمیگذارند، اما بدیهیات مبارزات طبقاتی حکم میکند که:

اولا، کشمکش در عرصه دستمزدها تداوم خیزش از خیابانها به کارخانه ها نیست، گویا بعد از خیابانها نوبت کشاندن رویارویی به محوطه کارخانه ها باشد؛

ثانیا، کشمکش های دستمزد نباید تحت عنوان "شندرغاز" در مقابل و در مقایسه با شعارهای خیابانی کم ارزش و ثانوی قلمداد شود.

چنین آزادیخواهی در ایران باید بتواند روی پاهای کارگری خود بایستد. مبارزه طبقاتی کارگران نمیتوانست به خیزش خیابانی زحمتکشان بی اعتنا باشد، اما همزمان مبارزه طبقاتی کارگران باید بتواند راه مستقل خود را طی کند.

امسال باید مصرانه تر از هر وقت دیگر مطالبه بر سر دستمزدها را پی گرفت. هیچ تجمعی، هر چقدر هم دولتی را نباید از صدای اعتراض کارگری علیه جهنم فقر و استثمار کنار گذاشت. فضای سرکوب و فضای توطئه در مقابل جمع کارگرانی که حق پایه ای زنده ماندن را طلب میکنند، جز رسوایی و عقب نشینی و چاپلوسی راه فرار دیگری ندارد.

با فصل دستمزدها در پیش رو، نمیتوان پرونده خیزش آبان-آذر ماه را بسته تصور کرد. این خیزش ریشه در حق طلبی توده زحمتکش برای آزادی و علیه فقر و نابرابری دارد. طبقه کارگر اسکلت اصلی این تحرک است و مبارزه بر سر دستمزدها لولای تداوم شایسته این خیزش و تخته پرش آن به سوی تضمین پیروزی است.



خیزش آبان و آذر ماه ریشه در اعماق نارضایتی توده محروم و زحمتکش جامعه داشت. فقر و فاقه، محرومیت و یک هستی در آستانه تلاشی میلیونها مردم را به حرکت درآورد. خیابانها در قریب به صد شهر به قرق عصیان مردم جان به لب رسیده ای درآمد که با مشت گره کرده و سنگ و کلوخ در جنگ نابرابر فریاد اعتراض سر دادند، ایستادند، مقابله کردند. جمهوری اسلامی با یک ماشین جنگی باند سیاهی و کشتار کور توانست بحران را موقتا پشت سر بگذارد. هر روز که میگذرد مردمی که مترصد فرصت تازه تر پشت درب خانه ها و در پیچ کوچه در کمین فرصت بعدی لحظه شماری میکنند، حقانیت و انگیزه بیشتری بر بی قراری خود می یابند.

با از راه رسیدن فصل تعیین سالانه دستمزدها هیزم تازه برای اعتراض علیه فقر و نابرابری کل جامعه را در خود غرق میکند. سر پل های مهمی اعتراضات آذر ماه و سرنوشت آنها با "فصل دستمزدها" گره میزند؛ این سر پل ها را باید شناخت، شناساند و در مقابله با سیاستهای جمهوری اسلامی و بر اساس منافع طبقاتی کارگری تقویت کرد.

فصل دستمزدها یک نمایش فریبکارانه دولتی است و اما در عین حال ...

فصل دستمزدها، موعدی برای تجمع کارگران و تریبونی برای ابراز اعتراض به عمق جنایتکارانه و بهره کشی از گرده کارگران است که کارگر کمونیست و رهبران کارگری برای چنین فرصتی دست و پا شکسته اند. بخصوص که این تریبون به ابتکار دولتی ها و تا حدی به دور از مزاحمت دولتی و ارگانهای سرکوب برگزار شده است. اینجا فرصت مغتنمی برای افشای سیاست های ضد کارگری، تاکید بر بهبودی انتظار و توهم و برداشتن قدمی در راه مبارزه مستقل کارگری است.

دست در دست خیزش آبانماه، فصل دستمزدها در سال 1398 میتواند سرآغاز تحولات اساسی در مبارزات کارگری در ایران باشد، این فرصتی است که نباید از دست داد. باید توجه داشت خیزش آذر ماه، در تشابه با خیزش دیماه، علیرغم همه خصلتهای طبقاتی آشکارا کارگری میدان تنگ ابراز وجود کارگری بود. محلات کارگری تا خرخره غرق در تباهی و درد مشترک، اشباع از اعتراض بر حق، موتور محرکه یک اعتراض با رنگ تند طبقاتی کارگری و چپ، با کمترین شائبه های ملی و بورژوازی شدند؛ کارگران و خانواده های کارگری بار اصلی این خیزش را بدوش کشیدند، اما میدان کشمکش و چهار چوب مبارزه خیابانی



## سرنوشت بهم بافته مجمع عمومی و اعتراضات جاری کارگری

در این مبارزه نه پول دارد، نه قدرت و نه سلاح. برگ برنده کارگر در این مبارزه این است که خود تولید کننده همه ثروت و امکانات جامعه است. اما کارگر زمانی میتواند از این برگ برنده استفاده کند که متحد و یکپارچه شده باشد. هر اندازه که رشته های همبستگی مستحکم تر باشد قدرتی که نصیب کارگران میشود بیشتر است. این صرفاً یک ادعا نیست. هر جا کارگران در مقابل دشمن خود متحد و یک صدا شده باشند تک تکشان این قدرت افسانه ای را با گوشت و پوست خود احساس میکنند. این احساس را همه کارگرانی که در اعتصابات و اعتراضات توده ای شرکت داشته اند تجربه کرده اند. اما احساس شدن این قدرت توسط توده های کارگر پدیده ای موقت و گذرا است.

به عبارت دیگر کارگر متحد قدرت دارد و اگر بتواند از قدرتش بدرست استفاده کند از هر مبارزه ای پیروز بیرون میاید. اما مشکل اینجاست که اتحاد و همبستگی عملی در مبارزه خود بخود بدست نمیاید. برای بدست آوردن اتحاد هم مبارزه و کار لازم است. نفس کار مزدی، مجبور بودن کارگران به فروش نیروی کار برای تامین زندگی بین آنها رقابت ایجاد میکند. این اصلی ترین مانع برای تخریب پایه های اتحاد میان کارگران عمل میکند. بعلاوه ایدئولوژی حاکم و مورد دفاع جامعه که توجیه گر نظام موجود و اقتدار و منافع طبقه حاکمه است موجب اشاعه ناپاوری به تغییر و تسلیم و لاقیدی هستند. در رابطه با اتحاد میان کارگران باید اضافه نمود که بورژوازی نه صرفاً با اتکا به مکانیسم های خودبخودی ناشی از ایدئولوژی حاکم بلکه فعالانه به این شکاف ها دامن زده و دانما با همه ابزارها علیه اتحاد کارگری عمل میکند. به این ترتیب نه فقط ایجاد رشته های اتحاد در میان کارگران مستلزم تلاش و کار جدی است بلکه حفظ پیوندهای فعلا موجود از گزند تعرضات مخرب بورژوازی کار و مبارزه دائمی را طلب میکند. بعبارت دیگر هیچ اتحادی بدون کار آگاهگرانه کارگران بخودی خود محفوظ نمی ماند.

برای بازگشت به سرنخ اصلی نوشته یعنی مجامع عمومی منظم کارگری باید بر روی یک جنبه مهم حلقه های اتحاد کارگری انگشت گذاشت. اعتقاد به اینکه اتحاد راه نجات

اعتراضات کارگری یکی دو ساله اخیر در ایران به طرز آشکاری مهر مجمع عمومی را بر خود دارد. آنچه در سالهای طولانی بعنوان خصلت عصبیانه اعتراضات کارگری در ایران شناخته شده است، در عرض مدت کوتاه متحول شده است. سوالات و ابهامات قدیمی تر و تمام حواشی شدنی بودن و یا مطلوبیت مجمع عمومی جای خود را به این سوال داده است که مجمع عمومی کارگری بعنوان ظرف تشکل یابی توده ای کارگری در ایران چگونه میتواند به ابزار قوی برای اتحاد توده هر چه وسیع تر کارگر تبدیل شود؟ این یک سوال واقعی و کاملاً موجه است. اگر تا دیروز بخشنامه ضد کارگری مدیریت با مجمع عمومی خودبخودی کارگران روبرو میشد، متعاقباً تصمیم جمعی و همان درجه از تشکل برای چلنج و در بسیاری موارد به عقب راندن کارفرما کفایت میکرد؛ امروز، هم کارگران و هم مجمع عمومی در مقابل مصاف های دشوارتر و پیچیده تری از جانب دولت و سرمایه داران قرار گرفته اند. یک تشکل توده ای کارگری باید بتواند علنی باشد و در عین حال،

اولاً، بستر کشمکش های فرساینده و طولانی مدت با کارفرما و دولت قرار بگیرد؛

ثانیاً، آمادگی مقابله موثر با نیروهای سرکوب را فراهم کند؛

برای پاسخگویی به این شرایط لازم است که تشکل کارگری همزمان به توده هر چه بیشتری از کارگران متکی باشد و در عین حال استحکام، انسجام و انعطاف خود را حفظ کند. این دقیقاً همان خصوصیتی است که در مجمع عمومی منظم نهفته است. با منظم بودن مجمع عمومی رهبری تشکل در نزدیک ترین ارتباط ممکن با توده فعالین و اعضا قرار میگیرد و همچنین بدنه و رهبری تشکیلات کارگری در یک فعل و انفعال زنده دانما در حال تکامل و انکشاف سازمان خود نگه میدارد. این نوشته به بررسی دقیق تر کارکرد متحد کننده مجمع عمومی و نقش فعالین کارگری در این زمینه اختصاص دارد.

همه میدانند که کارگر برای زنده ماندن چاره ای جز مبارزه ندارد و بدون مبارزه این نظام حتی برخورداری از حداقل امکانات معیشت را هم از او مضایقه میکند. کارگر به تنهایی

ادامه سرنوشت بهم .....

برگزاری مجمع را در ساعات کار و با دریافت مزد تحمیل کرده باشند، یک فاکتور مهم در توازن قوا به نفع کارگران است. مجمع عمومی باید در ساختار و کارکرد خود مبشر سنت ارجاع به اراده جمعی کارگران، احترام و پایبندی عمیق به آن باشد. باید وقت و فرجه ابراز مواضع باشد، به شمارش و ثبت آراء و مصوبات دقت و وسواس بخرج داد شود، در عین حال چگونگی تحقق مصوبات مورد ارزیابی قرار بگیرد، تا جلسات و اراده مجمع عمومی بتواند وزن واقعی خود را تحمیل کند.

روال معمول اعتراضات جاری حکایت از شروع ماجرا از طرف کارفرما دارد، عمدتاً یک تعرض به دستمزد و یا شرایط کار که بر پایه یک شکاف میان بخشهای مختلف کارگران (کارگران با سابقه در مقابل جدیدی، کارگران استخدامی در مقابل فصلی ها و غیره) استوار است و یا در یک شرایط حساس مثلاً در ارتباط با تعطیلات یا موعد پرداخت دستمزد صورت میگیرد. توطئه کارفرما زمانی موفق است که مجال فکر و مشورت به کارگران ندهد. واکنش عصبانی کارگران نتیجه دلخواه کارفرما است که معمولاً با دخالت ماموران امنیتی کنترل اوضاع و امکان هدایت اعتراضات از طرف کارگران دور و دورتر میگردد. اعتراضات جاری نیز یک و یا چند اجتماع کارگران معترض را در خود دارد (که با همه مزیت و جنبه ای مثبت) کماکان صورت مساله یعنی تعرض کارفرما و دست پانچگی کارگران در بسیج نیرو و امکانات خود، باقی است.

مجمع عمومی کارگری بعنوان تنها مرجع رسمی و قابل

کارگران است از راه استدلال تنها میتواند بخش کوچکی از کارگران، یعنی همان بخش آگاه و پیشرو را بخود جلب کند. توده کارگر نه با استدلال صرف بلکه عمدتاً با تجربه به این حکم اعتقاد پیدا میکنند. اعتراض و اعتصاب موفقیت آمیز که خود جز با سطح بالایی از اتحاد و همبستگی بوقوع نمییبیوندد، موثرتر از هر استدلالی توده کارگر را به لزوم ابزار حفظ اتحاد در میان خود متقاعد میسازد و این اعتقاد را به شعور عمومی آنان تبدیل کند.

کشمکش دائمی کار و سرمایه مکرراً شرایطی را پیش میآورد که کارگران ناگزیر باید بطور دست جمعی به اعتراض و عمل مستقیم دست بزنند. وقتی مساله واحدی بطور یکسان در دستور همه قرار بگیرد، بخش مهمی از همبستگی حل شده است. اینجا دیگر به عهده فعالین و رهبران عملی است با اتخاذ تاکتیک و شعارها و روشهای مناسب این حرکت را در دل مصاف ها به سمت پیروزی هدایت کنند. به این معنا کارگران و تشکل آنها همواره در حال پوست انداختن و تجربه تازه تری از توازن قوا و روشهای کشمکش هستند.

آنچه در تمام این پروسه نقش محوری ایفا میکند رابطه و دینامیک میان رهبران تشکیلات و توده های کارگر در بدنه تشکل است. مجمع عمومی منظم بنا به تعریف حول این رابطه شکل گرفته است.

### ابتکار عمل کارگران در کشمکش با کارفرما

جنبه اساسی در مبحث مجمع عمومی بعنوان ظرف تشکل توده ای کارگران یک واحد تولیدی در منظم بودن برگزاری آن است. مجمع عمومی بنا به تعریف دربرگیرنده همه کارگران واحد است و به مثابه یک ظرف طبیعی برای خنثی کردن توطئه کارفرما در جهت شقه شقه کردن صفوف کارگران عمل میکند. این درست است که عضویت اتوماتیک کارگران در مجمع عمومی بدون هیچ پیش شرط یک مزیت نسبت به مثلاً اتحادیه ها است؛ اما باید توجه داشت هر مورد از برگزاری یک مجمع عمومی کارگران نشانگر آگاهی و اراده کارگران شرکت کننده برای دخالت و تصمیم گیری در مورد سرنوشت و چگونگی کارکرد واحد تولیدی است. این بخودی خود، بخصوص اگر کارگران توانسته باشند



ادامه سرنوشت بهم .....

پاسخ داد. و آن اینست که اگر کارگر ناگزیر است مبارزه اش را در حالی پیش ببرد که یک پایش بر لبه اخراج و بیکاری و گرسنگی است، باید بر روشهایی برای ابراز نارضایتی و اعلام مطالبات متکی شد که با این شرایط مطابقت داشته باشد. باید با تاکتیک هایی مبارزه را شروع کرد که کارگری که چند بچه کوچک گرسنه در خانه دارد هم با بتواند با دل قرص در اجرا و اتخاذ آن شریک شود. کسی که مبارزه از نظرش فقط شکستن ماشین و در و پنجره و کتک زدن مدیر و خواباندن کار نباشد خوب میداند که در فاصله میان سکوت و تسلیم تا اعتصاب و بیرون انداختن مدیر، هزار و یک راه دیگر برای ابراز و به کرسی نشاندن اعتراض میشود سراغ گرفت.

در این مسیر جلسات منظم مجمع عمومی که در روزهای "عادی" تولید برپا میشوند، شاهرگ انتقال فضای اعتراضی میان کارگران است. جایی که نارضایتی ها و راه چاره ها و موانع همه با هم بصدا در میآیند و یاغیان و محافظه کاران صف کارگری میتوانند مشترکا راهی پیدا کنند که تنور مبارزه برای مطالبات را داغ نگه دارد، راهی که برای همگی قابل پیمودن باشد و چیزی نصیب آنها کند.

هر ذره موفقیت که به یمن همدستی و اتحاد کارگری بدست میاید دریایی از انرژی و امید برای برداشتن قدم های بعدی به آنها ارزانی میکند. نباید فراموش کرد که ما بسیاریم و در دل سکوت هم یک دنیا بغض فرو خورده و آرزوهای فروخورده داریم که درست مثل مال بقیه است. صفوف کارگران چه در زمان احتیاط و سکوت و چه در زمانی که پیروزی های سهل و آسان او را به ماجراجویی میکشاند نیاز به رهبر دارد که به این اعتراضات و چاره جویی ها لباس وحدت و هم پیمانی ببوشاند.

مجمع عمومی بستر و تسمه نقاله این کشش و کوشش است.

آبان 1398

نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

تماس: آدرس ایمیل

[info@a-bikari.com](mailto:info@a-bikari.com)

قبول، یک سنگر دفاعی قابل اعتماد را در جبهه کارگران می آفریند که از بسیاری جهات میتواند راه گشای مبارزات دفاعی، فرساینده و سترون کارگری جاری باشد.

اما صورت مساله این نوشته نه چاره جویی برای مبارزات دفاعی، و برداشتن تنها یک گام، هر چند گام مهم، جلوتر از مبارزات پراکنده و عمدتا ناموفق دفاعی امروز، بلکه تدارک زمینه و امکان مبارزات تعرضی کارگری و نقش مجمع عمومی در این زمینه است. صورت مساله اینست که چگونه کارگران یک واحد تولیدی در یک روز آفتابی، فارغ از بهانه گیری و عملیات ایدایی کارفرما در حالیکه دفتر حسابداری حقوق ها را در گرو نگرفته است با نقشه قبلی یک اعتصاب و مبارزه متحدانه برای دستمزد بالاتر و مطالبات رفاهی بیشتر را در دستور قرار داده و با موفقیت به پیش ببرند؟

هیچ کس نمیتواند منکر شود که طبقه کارگر، با این بیکاری میلیونی، با این گرانی وحشتناک و بیحقوقی مطلق که با زور سرنیزه و شکنجه و اعدام تحمیل میشود، شرایط سختی را میگذراند. هیچ کس نمیتواند منکر بشود که ترس از بیکاری و پرتاب شدن به قعر فقر و گرسنگی، در شرایطی که هیچ کس مسئول حفاظت از جان و سلامت اعضای جامعه نیست، کارگران را محتاط میکند و از دست زدن به اعمالی که خطر از دست دادن کار را بهمراه دارد دور میکند. به عبارت دیگر این روزها حرف مبارزه و اتحاد و تشکل در میان توده کارگر کمتر خریداری دارد. اما در عین حال همانقدر که محافظه کاری یک واقعیت است، نارضایتی هم هست. همه از دست ساعت کار پانزده ساعته، از دست دستمزد ناچیز، از دست گرانی و بی مسکنی... همه دلشان خون است. اگر کسی چیزی به صدای بلند نمیگویند برای این است که میدانند با اعتراض تک نفره وضعشان بدتر میشود؛ و کمتر کسی راه مبارزه جمعی کم و بیش موفق را در دسترس خود سراغ دارد.

برای کارگران پیشرو که علاوه بر وضع سخت و دشواریهای زندگی خود غصه هم طبقه ای های خویش را نیز بدل دارند موقعیت دشوارتر است، اما برای سرسخت ترین این پیشروان، این شرایط را باید با راه حل های مناسب